

معرفی رویکرد خود - وکیلی و بررسی مروری تأثیرات آن به عنوان روشی مناسب برای توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی

قاسم نوروزی^۱ / استادیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص / دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی / دانشگاه اصفهان
عاطفه کریمی / گروه روان‌شناسی / دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی / دانشگاه اصفهان

چکیده: در زمان‌های نه چندان دور افراد دارای کم توانی ذهنی از حقوق اولیه‌ی خود محروم بودند و تعداد زیادی از این افراد به خاطر این محرومیت، دست به مبارزه علیه تبعیض زدند و خواستار حقوقی برابر با دیگر افراد جامعه از طریق جنبش خود-وکیلی شدند. هدف اصلی این جنبش، توانمندسازی و بهبود شرایط زندگی افراد دارای کم توانی ذهنی از طریق مشارکت دادن آن‌ها در تصمیماتی است که درباره آن‌ها گرفته می‌شود. در این مقاله هدف معرفی جنبش خود-وکیلی به عنوان یکی از برنامه‌های مؤثر جهت توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای است که در حال حاضر در برخی از کشورهای جهان اجرا می‌گردد. در کشور ایران علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در زمینه آموزش و توان بخشی، از ظرفیت‌های جنبش خود-وکیلی برای توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی غفلت شده است. این در حالی است که نتایج به دست آمده حاصل از اجرای این جنبش در کشورهای مختلف، نشان می‌دهد که این برنامه سهم به‌سزایی در افزایش اعتماد به نفس، رشد مهارت‌های اجتماعی، احساس شایستگی، تقویت خودپنداره و هویت اجتماعی و در نهایت تقویت مهارت‌های شغلی و نیل به استقلال در افراد دارای کم توانی ذهنی داشته است و اجرای آن در ایران می‌تواند در آموزش و توان بخشی این افراد بسیار مؤثر باشد؛ بنابراین باید در قالب برنامه ملی به آن توجه خاصی مبذول گردد.

واژه‌های کلیدی: کم توانی ذهنی، خود-وکیلی، توانمندسازی

مقدمه

مشارکت در تصمیماتی که زندگی هر فرد را به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد، برای تمامی افراد جامعه ضروری به نظر می‌رسد. با این حال شاهد این موضوع هستیم که در طول تاریخ، صدای همه‌ی گروه‌های جامعه به یک میزان و عادلانه شنیده نشده است. یکی از این گروه‌هایی که توجهی به آنان نشده، افراد دارای کم توانی ذهنی می‌باشند (۱). این گروه در مقایسه با دیگر افراد جامعه، از نرخ بیکاری و فقر بیشتر، سلامت و ارتباطات اجتماعی کمتر و مشارکت محدود تری در جامعه رنج می‌برند (۲). ناتوانایی هوشی با محدودیت‌های قابل توجه در عملکرد هوشی و رفتار انطباقی نشانگر آن است که بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره اجتماعی و مهارت‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این تأثیر از قبل از هجده سالگی سرچشمه

می‌گیرد (۳). ناتوانایی‌های رشدی نیز گروه‌های مختلفی از اختلالات را در بر می‌گیرند و شرایط مزمنی هستند که به علت آسیب‌های ذهنی و جسمی ایجاد شده‌اند و مشکلات زیادی را برای فرد در زمینه‌های مختلف از جمله زبان، پویایی، یادگیری، خودیاری و زندگی مستقل ایجاد می‌کنند و بروز آن تا قبل از بیست و دو سالگی است (۴). علی‌رغم این باور عمومی که افراد دارای کم توانی ذهنی به علت ظرفیت هوشی پایین تر فاقد قدرت تصمیم‌گیری و عملکرد مستقل هستند، کیفیت محیطی که فرد در آن زندگی و فعالیت می‌کند، این عقیده را به چالش کشیده است. محیط‌هایی که فرصت تصمیم‌گیری را برای افراد دارای کم توانی ذهنی فراهم می‌کنند، به خود مختاری هر چه بیشتر این افراد کمک می‌کنند (۵). در این راستا و در تلاش برای مبارزه علیه تبعیض، حرکتی تحت عنوان جنبش خود-وکیلی^۲ برای افراد دارای کم توانی ذهنی آغاز شده است.

2- Self-advocacy movement

1- Email: g.norouzi@edu.ui.ac.ir

روش ها

بررسی مروری نقلی^۱ بر منابع کتابخانه ای انجام گرفت. به طور کلی، سیری در منابع موجود نشانگر این است که تاکنون به جز یک مقاله، هیچ کار تحقیقاتی در زمینه جنبش خود-وکیلی انجام نگرفته، و مقاله یا کتابی در این زمینه انتشار نشده است؛ بنابراین منابع موجود در این پژوهش به زبان انگلیسی مورد بررسی قرار گرفتند. کلیدواژه های جنبش خود-وکیلی، افراد دارای کم توانی ذهنی و توانمندسازی همچنین اصطلاحات مترادف و مرتبط با آنها در کتابخانه الکترونیکی دانشگاه جان مورس شهر لیورپول کشور انگلستان، و از پایگاه های مختلف از قبیل گوگل سرچ^۲، ساینس دایرکت^۳، گوگل اسکولار^۴، ویلی آنلاین^۵ و الزویر^۶ و همچنین کلیه منابع جدید که تا تاریخ میلادی ۱۰ مارس ۲۰۱۸ (۱۹ اسفندماه سال ۱۳۹۶) در این پایگاه ها به ثبت رسیده بودند، مبنای کار قرار گرفتند. مقالاتی که در این بررسی مروری جای گرفتند عبارت اند از:

(۱) در رابطه با اثرات جنبش خود-وکیلی به شیوه ی پژوهشی انتشار یافته بودند.

(۲) درباره ی تاریخچه ی این جنبش نوشته شده بودند.

(۳) به طور مشخص این رویکرد را در رابطه با افراد دارای کم توانی ذهنی و نه سایر گروه های افراد، به کار گرفته بودند.

همچنین در این پژوهش برخی از مقالات از مطالعه حذف گردید که عبارت اند از مقالاتی که:

(۱) به صورت مروری در این زمینه انتشار یافته بودند که تنها توصیفی از پژوهش های اصلی را به صورت غیر مستقیم ارائه می دادند.

(۲) قبل از سال ۱۹۹۰ انتشار یافته بودند.

جنبش خود-وکیلی (تاریخچه، ماهیت و اهداف آن)

واژه خود-وکیلی در اصل به معنای «صحبت کردن از جانب خود» می باشد (۶) که نه تنها بیان احساسات یک فرد درباره ی موقعیتی را در بر می گیرد، بلکه باید تبدیل به عمل و به دست آوردن تغییرات پایدار شود (۷). رویکرد خود-وکیلی در واقع به شکل های متفاوتی از جمله فردی و گروهی برای تمامی افراد جامعه که به دلایل مختلف مورد کم توجهی قرار گرفته اند، قابل استفاده می باشد (۸). هم سو با معنای واژه، جنبش خود-وکیلی، در صدد فراهم کردن فرصت برای رشد فردی و اجتماعی، بحث برای احقاق حقوق از دست رفته و مبارزه با تبعیض ها برای جامعه ی افراد دارای کم توانی ذهنی است (۷ و ۸). در نیمه اول قرن بیستم این افراد به عنوان افرادی ناقص در نظر گرفته می شدند که به اجبار در مؤسسات مخصوص به خود زندانی بودند (۱). در دهه های شصت و هفتاد میلادی نقش مؤسسات زیر سوال برده شد و تلاش هایی برای عادی سازی زندگی افراد دارای کم توانی ذهنی آغاز گردید که به بسته شدن برخی از این مؤسسات انجامید (۸ و ۹). از آن زمان راهکار های دیگری برای توانمندسازی افراد با ناتوانایی های هوشی و رشدی شکل گرفته است که جنبش خود-وکیلی یکی از آن هاست که سنگ بنای آن در اوایل دهه شصت میلادی در کشورهای اسکانندیناوی گذاشته شد (۱۰) و در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی در انگلستان، ایالات متحده آمریکا و استرالیا گسترش یافت (۱۱) و به تدریج، به شکل کنونی خود در برخی از کشورهای جهان استقرار یافت. جنبش خود-وکیلی پدیده ی منحصر به فرد اواخر قرن بیستم در نظر گرفته می شود (۱۲).

این جنبش از طریق گروه های متشکل از افراد دارای کم توانی ذهنی، سایر کارکنان گروه و حامیان مدنی و مالی آنان به فعالیت می پردازد (۱۳) که موفقیت هر چه بیشتر این گروه ها در گرو تقسیم مناسب قدرت و همکاری مقامات دولتی با اعضای آن می باشد (۱۴). در این گروهها افراد دارای کم توانی ذهنی، به طور منظم با یکدیگر

1- Narrative literature review

2- Google search

3- Science Direct

4- Google Scholar

5- Wiley Online

6- Elsevier

عضویت در یک گروه خود-وکیلی به عنوان روشی برای توانمندسازی و شرکت در فعالیت های آن، دارای تأثیرات مثبت متعدد بر روی سلامت و بهزیستی افراد دارای کم توانی ذهنی (۹، ۱۹ و ۲۰) و همچنین دارای تأثیرات مثبت برای جامعه می باشد (۱۸ و ۲۱).

جنبش خود-وکیلی و تأثیرات فردی

افزایش کنترل بر زندگی و تقویت خودمختاری^۲

وابستگی بیش از حد به دیگران برای صحبت درباره نیازهای خود، تأثیرات منفی بر خودمختاری افراد دارای کم توانی ذهنی داشته است (۲۲). در این راستا سازوکار گروه های خود-وکیلی به گونه ای است که احساس کنترل بر زندگی را در افراد دارای کم توانی ذهنی رشد می دهد (۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۳). احساس کنترل از فراهم بودن فضاهای خود-گردان که به وسیله خود این افراد اداره می شود (۲۴) و سمت های واگذار شده به آنان، ناشی می شود (۱۵)، ولو این که در برخی از تصمیم گیری ها نقشی تشریفاتی یا حداقلی داشته باشند (۱۷). خودمختاری نیز از طریق مشارکت کردن اعضای گروه در تصمیمات مربوط به خود، تقویت می شود (۲۵). در همین رابطه مشخص شده است که خودمختاری افراد دارای کم توانی ذهنی در محیط های عادی سازی شده، افزایش یافته است (۲۶). این حق کنترل و تأثیرگذاری بر زندگی روزمره، با این عقیده سنتی که افراد دارای کم توانی ذهنی قادر به اعمال قدرت و تصمیم گیری نیستند، در تعارض می باشد (۲۳) اما با کار گروه های خود-وکیلی و مشارکت فعال افراد دارای کم توانی ذهنی در تصمیم گیری های مربوط به خود، این تعارض به مرور زمان از بین می رود.

افزایش اعتماد به نفس^۳، شایستگی^۴ و خودکارآمدی^۵

گروه های خود-وکیلی اعتماد به نفس و باور به توانایی های خود را در اعضای خود افزایش می دهند (۱۵، ۱۸ و ۲۳) چرا که اعضا، آن ها را به عنوانی مکانی

دیدار می کنند تا از طریق افزایش کنترل بر زندگی خود و تأثیرگذاری بر اجتماع، باور عمومی را نسبت به خود تغییر داده (۱۱)، و به مشارکت و تصمیم گیری در جامعه بپردازند. این گروه ها سازوکاری متفاوت با سایر گروه های توان بخشی دارند و تنها برای احقاق حقوق اعضای خود تلاش نمی کنند. آن ها همچنین مانند بسیاری از گروه های خود-یاری^۱ تنها مکانی برای رشد شخصی و مهارت های اعضای خود نیستند. به علاوه آن ها فقط محیطی برای ملاقات افراد با علایق و وضعیت های مشابه را فراهم نمی کنند؛ بلکه تمامی ویژگی های یاد شده را با هم دارا هستند و از این نظر توانایی این گروه ها برای ایجاد تغییر و بهبودی در موقعیت افراد دارای کم توانی ذهنی به طور قابل توجهی بالا می باشد (۱۵). رابطه افراد دارای کم توانی ذهنی و دیگر کارکنان رابطه ای برابر است که با فاصله اجتماعی که بین مسئولان و افراد دارای ناتوانایی در سایر روش های توان بخشی دیده می شود، تفاوتی بسیار دارد (۱۵ و ۱۶). اعضای گروه های خود-وکیلی عنوان کرده اند که عقاید، احساسات و خواسته های آن ها شنیده شده و به آن ها احترام گذاشته می شود (۱ و ۱۷).

فعالیت اکثر این گروه مشابه است اما با توجه به تعداد اعضا و منابع مالی آن ها، در دامنه های متفاوتی انجام می پذیرد (۱۵). برگزاری جلسات آموزشی درباره مهارت های مورد نیاز در زندگی، تفریح و سفر (۱ و ۱۵)، آگاهی دهی درباره حقوق و خدمات موجود برای افراد دارای کم توانی ذهنی (۱۸) و برگزاری جلسه با مسئولان دولتی و محلی (۱۱) از جمله این فعالیت ها می باشد. علاوه بر آن افراد دارای کم توانی ذهنی به عنوان متخصص و کارشناس درباره وضعیت خود، همایش هایی را برای دیگر متخصصان مانند روان شناسان، مددکاران اجتماعی، پزشکان و پرستاران برگزار می کنند تا آنان را از نقطه نظرات خود آگاه سازند (۱۷) و یادآوری نمایند که لازم است به مسائل مربوط به آن ها، از دیدگاه خودشان پرداخته شود. همچنین گروه های خود-وکیلی تلاش می کنند تا از مناسب بودن خدمات درمانی دریافتی برای اعضای خود اطمینان حاصل کنند (۱۹).

2- Autonomy

3- Self- confidence

4- Competence

5- Self- efficacy

1- Self- help

توانی ذهنی را با ویژگی‌های منفی شناخته است و آنان را از مشارکت در اجتماع بازداشته است (۹). هویت از عناصر مهم سلامت و بهزیستی است که مروری بر منابع نشان می‌دهد اعضا در گروه‌های خود-وکیلی هویتی جدید را که برخلاف هویتی است که جامعه آنان را بدان می‌گمارد، جایگزین می‌کنند (۹، ۱۸، ۲۵ و ۳۳). این تغییر در هویت و درک از خود، از شش مقوله ناشی می‌شود:

- ۱- پیوستن به گروه؛ ۲- کسب دانش درباره جنبش خود-وکیلی و فعالیت در آن؛ ۳- کسب آگاهی درباره اهداف گروه و ماهیت آن؛ ۴- تجربه کردن یک محیط اجتماعی مثبت؛ ۵- تشخیص دادن تغییری مثبت در درک از خود؛ ۶- در نظر گرفتن آینده خود و گروه در گروه دیگر (۱۸).

جنبش خود حمایتی و تأثیرات اجتماعی

استقلال و اشتغال

یکی از انواع هویت که در افراد دارای کم توانی ذهنی از طریق گروه‌های خود-وکیلی شکل می‌گیرد، در نظر گرفتن خود به عنوان فردی مستقل در جامعه می‌باشد. این مسئله برونداد تأثیرات مثبت فردی جنبش خود-وکیلی است (۱۷). در مطالعه‌ای از طریق مصاحبه با اعضای گروه‌های خود-وکیلی مشخص شد که خواسته‌ی آنان برای زندگی مستقل با خواست جامعه برای محافظت از آنان در برابر خطرات، در تعارض قرار می‌گیرد (۹). این راستا، تشکیلات اجتماعی برای افراد دارای کم توانی ذهنی باید به گونه‌ای سازمان یابد که محافظت از آن‌ها، موجب سلب استقلال از آنان نشود. با شرکت در گروه‌های خود-وکیلی اطمینان اعضای گروه برای تصمیم‌گیری، سفر کردن و شرکت در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی به طور مستقل، افزایش یافت (۱۷). همچنین دادن فرصت به افراد دارای کم توانی ذهنی برای اظهار نظر در پرورش حس استقلال آنان مؤثر بوده است. پرورش استقلال در این افراد، همچنین با برعهده گرفتن نقش‌های مختلف امکان پذیر می‌باشد (۱ و ۹). یکی دیگر از مهم‌ترین تأثیرات جنبش خود حمایتی ایجاد اشتغال برای افراد دارای کم توانی ذهنی است؛ و این امر از طریق آموزش مهارت‌های شغلی به آنان میسر می‌شود (۱۵ و ۳۴) که مشاغل

امن در نظر می‌گیرند که می‌توانند آزادانه و بدون قرار گرفتن در معرض قضاوت دیگران، تجربیات خود را با یک دیگر به اشتراک گذارند (۱۷). اعضای گروه‌های خود-وکیلی همچنین افزایش احساس خودکارآمدی و شایستگی را گزارش کرده‌اند که ناشی از شرکت در جلساتی است که آنان در آن به عنوان فردی مؤثر، درباره حقوق خود، با سایر اعضا و همچنین مسئولان محلی و دولتی به گفت و گو نشست، نظرات خود را عنوان می‌کنند (۱۷ و ۲۵).

رشد مهارت‌های اجتماعی^۱ و دانش^۲ها

صدای غالب در جنبش خود-وکیلی، رشد مهارت‌ها برای توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی بوده است (۲۵، ۲۷ و ۲۸). همه این گروه‌ها مهارت‌ها و دانش‌های مختلفی را به اعضای خود آموزش می‌دهند و هدف آن رشد شخصی و تمرین شهروندی می‌باشد. این امر از طریق برگزاری کارگاه و شرکت در کنفرانس‌ها صورت می‌پذیرد (۱۵، ۱۷، ۱۸ و ۲۳). یکی از مهم‌ترین مهارت‌های رشد یافته، چگونگی برقراری ارتباط مؤثر با اعضای درون گروه و سایر افراد جامعه است. این ارتباطات پس از عضویت، به لحاظ کمی و کیفی برای اعضای گروه افزایش می‌یابد؛ زیرا گروه‌های خود-وکیلی شرایط لازم را برای گسترش روابط فراهم می‌سازند که ارتباط دائمی و علایق مشترک از جمله‌ی آن است (۱۸، ۱۹، ۲۵، ۲۹ و ۳۰). اعضا از طریق یادگیری مهارت‌های ارتباطی، در بحث‌های مختلف مشارکت کرده و به نقد یک دیگر می‌پردازند (۲۳). افزایش مهارت‌های ارتباطی همچنین از طریق شرکت در فعالیت‌های تفریحی صورت می‌پذیرد که به نوبه‌ی خود در انگیزه‌ی افزایش ارتباط مؤثر است (۱).

تغییرات مثبت در هویت^۳ و درک از خود^۴

افراد دارای کم توانی ذهنی شناخت دیگران از خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (۳۱). همچنین آن‌ها توانایی تشخیص ویژگی‌ها و صفات منفی را دارا هستند (۳۲). این در حالی است که جامعه در طول تاریخ افراد دارای کم

1- Social Skills

2- Knowledge

3- Identity

4- Self- perception

همراه با دستمزد، همچنین مدیریت و رهبری گروه های خود-وکیلی و کار داوطلبانه از جمله آن می باشد و برای برخی از افراد تبدیل به اشتغال دائم و تمام وقت می شود (۱۱). استقلال و اشتغال از مهم ترین اهداف جنبش خود-وکیلی و متأثر از تغییرات مثبت شخص به لحاظ فردی است و خود باعث تغییرات مثبت در جامعه می شود.

کاهش تصورات قالبی منفی درباره افراد دارای کم توانی ذهنی

تصورات قالبی منفی با برچسب کم توانی ذهنی پیوند خورده است و به عنوان مانعی در راه مشارکت این افراد در اجتماع عمل می کند. عضویت در گروه های خود-وکیلی یکی از راهکارهای کاهش این تصورات می باشد (۱۷ و ۳۳). عضویت در گروه های خود-وکیلی و پذیرش نقش های مختلف باعث می شود که نه تنها افراد دارای کم توانی ذهنی خود را به صورتی متفاوت در نظر بگیرند، که دیگران نیز آن ها را به صورت مثبت تری در نظر آورند (۶). این جنبش قادر به تغییر دادن موقعیت اجتماعی افراد با ناتوانایی های یاد شده از طریق مشارکت دادن آنان در اجتماع و پویای های مختلف می باشد (۱).

کاربرد جنبش خود-وکیلی برای افراد دارای کم توانی ذهنی در ایران

در کشور ایران، علی رغم گام های برداشته شده در جهت توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی از فرصت های بی شمار گروه های خود-وکیلی استفاده ای نشده است. مروری بر منابع داخلی نشان می دهد که تاکنون به جز پژوهش های (۳۶ و ۳۷) هیچ تحقیقی در این زمینه انجام نشده و این مسئله به صورت سازمان یافته مورد بررسی قرار نگرفته است و این در حالی است که این جنبش می تواند به عنوان یک برنامه توانمندسازی که موفقیت آن در عمل ارزیابی و ثابت شده است، سرلوحه کار سازمان های ارائه دهنده خدمات به افراد دارای کم توانی ذهنی در کشور قرار گیرد. بررسی خدمات آموزشی و توان بخشی افراد دارای کم توان ذهنی در کشور ایران نشان می دهد که علی رغم

پیشرفت قابل توجهی که در دهه های اخیر در خصوص آموزش و توان بخشی افراد دارای نیازهای ویژه انجام شده؛ اما به دلیل تصورات قالبی منفی عموم مردم و حتی خانواده های دارای فرزند کم توان ذهنی نسبت به توانمندی این افراد، توجه چندانی به نیازهای این گروه از افراد دارای نیازهای ویژه نشده است. هر چند که در کشورهای توسعه یافته، افراد دارای کم توان ذهنی حضور پررنگی در عرصه های مختلف زندگی خود داشته و در تهیه خدمات تخصصی آموزشی و توان بخشی خود مشارکت موثر و گسترده ای دارند، ولی افراد دارای کم توان ذهنی در کشور ایران از حضور و مشارکت در برنامه ریزی آموزشی و توان بخشی خود محروم هستند (۳۵) و سازمان های دولتی شامل سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی در برنامه ریزی آموزشی و توان بخشی برای گروه های افراد دارای نیازهای ویژه از نقطه نظرات این گروه در حد مطلوب استفاده نمی کنند. نظام آموزش و توان بخشی افراد دارای کم توان ذهنی در کشور ایران به صورتی هست که با توجه به تصورات قالبی منفی نسبت به توانمندی این افراد، متأسفانه خدمات نگهداری افراد دارای کم توان ذهنی در مراکز بزرگ شبانه روزی بیش از بیش مورد توجه عموم مردم و خانواده ها قرار گرفته و تعداد مراکز شبانه روزی نگهداری افراد دارای کم توانی ذهنی به صورت تصاعدی در استان های کشور افزایش یافته است به طوری که بخش عظیمی از بودجه سازمان بهزیستی که باید صرف امور آموزشی و توان بخشی گردد، هر ماهه به صورت یارانه نگهداری به مراکز نگهداری افراد دارای کم توان ذهنی خصوصی و غیر دولتی پرداخت می شود. از طرفی اکثر برنامه های موجود آموزشی و توان بخشی این گروه از افراد در مدارس استثنایی کشور و مراکز خصوصی که توسط سازمان آموزش و پرورش استثنایی و همچنین سازمان بهزیستی تهیه گردیده، به دلیل عدم توجه کافی به نیازها، علائق و توانمندی افراد دارای کم توانی ذهنی عملاً ناکافی بوده و افراد دارای کم توانی ذهنی را به استقلال در زمینه های شخصی، اجتماعی و اقتصادی نمی رساند. بنابراین، جنبش خود-وکیلی به عنوان یک راهکار بسیار مناسب برای توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی،

فرصت کافی و مطلوبی را به این افراد می دهد که از خود اظهار نظر کرده، با بیان احساسات و نیازها موجب تقویت و افزایش کیفیت برنامه های آموزشی و توان بخشی گردند.

در حال حاضر، یکی از مشکلات آموزشی و توان بخشی موجود در کشور ایران برای افراد با نیازهای ویژه و مخصوصا افراد دارای کم توانی ذهنی، عدم توجه نظام آموزشی به آموزش مهارت های زندگی، اجتماعی و اقتصادی برای نیل به استقلال می باشد. خصوصیات از قبیل توانایی بیان نظرات، خودکار آمدی، دفاع از خود، خود تصمیم گیری، و خود مختاری در زندگی از ویژگی هایی هست که افراد دارای نیازهای ویژه مخصوصا افراد دارای کم توانی ذهنی از طریق آموزش باید به آن برسند. در صورتی که به دلیل عدم توجه نظام آموزشی به نیازها و توانمندی افراد دارای کم توانی ذهنی، این ویژگی ها در افراد دارای کم توانی ذهنی اصلا به وجود نمی آید. به همین دلیل افراد دارای کم توانی ذهنی در سنین بزرگ سالی به دلیل فقدان مهارت های اساسی، در تعامل با سایر افراد در جامعه دچار مشکلات فراوانی می گردند، و به دلیل عدم توانایی در دفاع از خود در نهایت دخالت سازمان های قضایی را برای حمایت و احقاق حقوق خود می طلبند.

براساس ماده ۲۳ فصل هشتم لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مصوب مجلس شورای اسلامی ارسالی به شورای نگهبان به شماره ۳۱/۸۷۶۳۵ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۱، تحت عنوان «حمایت های قضایی و تسهیلات مالی»، سازمان بهزیستی می تواند «حسب درخواست فرد دارای معلولیت یا قیم وی (حسب مورد)، در پرونده هایی که حق فرد دارای معلولیت به دلیل معلولیت، مورد تعرض قرار گرفته یا چنین ادعایی مطرح است در صورتی که ادعای مزبور مورد تأیید سازمان باشد به عنوان نماینده وی، در دادگاه مربوط شرکت نماید». توجه به این ماده قانونی نشان می دهد که اگر سازمان بهزیستی و سازمان نظام آموزش و پرورش استثنایی به عنوان سازمان های دولتی متولی آموزش و توان بخشی در کشور از همان ابتدای کار، از طریق مشارکت افراد دارای کم توانی ذهنی در تهیه برنامه های آموزشی و توان بخشی

توجه کافی به آموزش مهارت های اساسی زندگی به افراد دارای کم توانی ذهنی داشتند، قطعا در حال حاضر افراد دارای کم توانی ذهنی نیازی به تصویب ماده قانونی که فقط در حد شعار و کاغذ به تصویب برسد و همانند سایر قوانین حمایت از افراد دارای معلولیت ضمانت اجرایی نداشته باشد، نیازی نبود. در حقیقت جنبش خود-وکیلی در کشور ایران می تواند برای افراد دارای کم توانی ذهنی فرصت کافی برای رشد فردی و اجتماعی، و بحث برای احقاق حقوق پایمال شده و مبارزه با تبعیض ها در جامعه را برای افراد دارای کم توانی ذهنی به وجود آورد.

همان طوری که نتایج این مطالعه نشان می دهد، فواید ارزشمند فردی و اجتماعی جنبش خود-وکیلی شامل افزایش کنترل بر زندگی و تقویت خودمختاری؛ افزایش اعتماد به نفس، شایستگی و خودکار آمدی، افزایش مهارت های اجتماعی، تغییرات مثبت در هویت و درک از خود؛ استقلال و اشتغال، و کاهش تصورات قالبی منفی عموم مردم درباره افراد کم توانی ذهنی، همه از جمله مواردی هستند که در صورت عملی شدن آن ها، افراد دارای کم توانی ذهنی می توانند در راستای استقلال و افزایش کیفیت زندگی خود گام های بسیار مؤثر بردارند. در حقیقت کاربرد این جنبش در ایران می تواند فرصت یادگیری تمامی این مهارت ها را برای افراد دارای کم توانی ذهنی فراهم کند. بنابراین، سازمان بهزیستی به عنوان سازمانی که براساس قانون، مجوز ایجاد مراکز غیردولتی و خصوصی را می دهد باید از طریق ایجاد سازمان ها و گروه های اجتماعی جنبش خود-وکیلی، فرصت تمرین و یادگیری مهارت های فوق را برای افراد دارای کم توانی ذهنی فراهم کند. در این راستا، سازمان بهزیستی باید توجه کند که تشکیلات اجتماعی برای افراد دارای کم توانی ذهنی باید به گونه ای سازمان یابد که محافظت از افراد دارای کم توانی ذهنی، موجب سلب استقلال از آنان نشود. علاوه بر این باید با شرکت افراد دارای کم توانی ذهنی در گروه های خود-وکیلی، فرصت شرکت در بسیاری از موقعیت های اجتماعی به طور مستقل را برای آنان به عنوان یک شهروند اجتماعی ایجاد کند.

بحث و نتیجه گیری

حرکت به سمت جامعه ای خلاق و پویا هنگامی امکان پذیر است که از ظرفیت های تمامی افراد جامعه به خوبی استفاده شود. افراد دارای کم توانی ذهنی بخشی از جمعیت هر جامعه ای را تشکیل می دهند که تبدیل توانایی های آنان از حالت بالقوه به حالت بالفعل از جمله وظایف سازمان های آموزشی، فرهنگی، رفاهی و دولتی هر کشوری می باشد. عبور از مرحله ی نگه داری صرف افراد دارای کم توانی ذهنی در موسسات، تنها زمانی به خوبی و در جهت رو به رشد صورت می پذیرد که جایگزین های مناسبی برای آن یافت شود. جنبش خود-وکیلی یکی از این جایگزین هاست. این جنبش تقویت کننده احساسات مثبتی هم چون خودکارآمدی و شایستگی است. یکی از منسجم ترین یافته های روان شناسی این است که احساسات مثبت باعث افزایش بهزیستی افراد می شوند و دامنه توجه و تفکر را افزایش می دهند (۳۵). افراد دارای کم توانی ذهنی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به علاوه، جنبش خود-وکیلی مهارت های اجتماعی افراد و دانش آن ها درباره موضوعات مختلف را بالا برده و از این جهت همانند یک نهاد فرهنگی ایفای نقش می کند. تأثیرات مثبت گروه های خود-وکیلی بر هویت افراد دارای کم توانی ذهنی و خودباوری آنان، شاهرهای است که تغییرات مثبت فردی را به تغییرات اجتماعی پیوند می زند؛ چرا که جامعه متشکل از افراد آن است و بی شک افراد با خودپنداره مثبت، توانایی بیشتری برای پیشبرد جامعه به سمت اهداف مورد نظر دارند. احساسات مثبت و هویت تغییر یافته به سمت خود کارآمدی، با خود استقلال و اشتغال افراد دارای کم توانی ذهنی را به همراه آورده، زندگی مستقل زمینه ساز کاهش هزینه های اجتماعی و مادی در جامعه شده و اشتغال آنان نیز می تواند از لحاظ اقتصادی جامعه را یاری رساند و از این نظر تصورات قالبی منفی سایر افراد جامعه را درباره افراد دارای کم توانی ذهنی به چالش کشیده و در دراز مدت از آن بکاهد. بنابراین جنبش خود-وکیلی قادر به توانمندسازی افراد دارای کم توانی ذهنی در چندین بعد فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی

با توجه به این که اکثر خانواده های دارای کودکان کم توانی ذهنی، تمایز بسیار زیادی را بین فرزندان دارای کم توانی ذهنی و دیگر کودکان عادی خود قائل هستند، خانواده ها عملاً فرزندان دارای کم توانی ذهنی خود را به عنوان یک عضو توانمند نمی بینند و براساس نظر داوون گودلی (۲۷)، خانواده های کودکان دارای کم توانی ذهنی، حتی در بزرگسالی به دلیل محدودیت هوشی کودکان، فرزندان بزرگسال دارای کم توانی ذهنی خود را به عنوان کودکان نابالغ تلقی می کنند در نتیجه با آنان برخورد بچه گانه دارند. و به دنبال این باور، خانواده های دارای فرزند کم توانی ذهنی، هیچ وقت کودک خود را به عنوان یک شهروند اجتماعی با برابری فرصت ها در نظر نمی گیرند و اجازه فرصت حضور مستقل فرزندان خود را در جامعه به بهانه جلوگیری از سوءاستفاده دیگران از آنان نمی دهند. بنابر این، برای اجرایی شدن جنبش خود-وکیلی در کشور ایران باید کارگاه های آموزشی فراوانی را برای والدین، معلمان، کارشناسان سازمان ها و عموم مردم توسط سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی فراهم نمود تا اطلاعات و آگاهی اقشار مختلف مردم در زمینه جنبش خود-وکیلی افزایش یافته، با حمایت از افراد دارای کم توانی ذهنی، زمینه اجرایی این جنبش در کشور آماده گردد.

با توجه به شرایط مختلف محیطی، اجتماعی و فرهنگی ایران، در صورت ایجاد زمینه مناسب برای حضور افراد دارای کم توانی ذهنی در جنبش خود-وکیلی و مساعد نمودن حضور آنان در کنار سایر افراد جامعه، این گروه از شهروندان جامعه می توانند با استفاده از امکانات عمومی و محیط های اجتماعی به تمرین و بیان دیدگاه ها و نظرات و پیشنهاد های خود پرداخته، این گونه تمرینات زمینه رشد و شکوفایی حس استقلال آنان را فراهم می کند. از طریق این جنبش، با دادن نقش های مختلف به افراد دارای کم توانی ذهنی می توان زمینه پرورش استقلال آنان در ابعاد مختلف زندگی را آماده نمود تا هم چون سایر افراد جامعه ضمن لذت بردن از زندگی، موجبات افزایش خودمختاری، استقلال، مهارت های اجتماعی، رضایت از زندگی، بهزیستی و در نهایت بهبود کیفیت زندگی آنان را فراهم کرد.

از جمله والدین، کارشناسان و مربیان برای اجرای جنبش خود-وکیلی؛ و کمبود امکانات و تجهیزات در این زمینه، به عنوان مهم‌ترین موانعی است که در راستای اجرای برنامه خود-وکیلی در کشور ایران وجود دارد. با توجه به کارآمدی جنبش خود-وکیلی که در عمل در سایر کشورها اثبات شده است، این برنامه می‌تواند، در کشور ما نیز اجرا گردد و کارآمدی آن در بافت اقتصادی و فرهنگی ایران مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا وظیفه سازمان‌های متولی آموزش و توان‌بخشی در کشور هم‌چون سازمان‌های بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی است که به طور جدی در رفع موانع موجود و اجرای برنامه خود-وکیلی گام‌های اساسی و مؤثری بردارند تا انشاء الله در آینده‌ای نزدیک شاهد توانمندی و استقلال بخش عظیمی از افراد دارای کم توانی ذهنی در جامعه باشیم.

References

1. Tsuda E. Japanese culture and the philosophy of self-advocacy: the importance of interdependence in community living. *British journal of learning disabilities*. 2006 Aug 31; 34(3): 151-156.
2. Bigby C, Frawley P. *Social work practice and intellectual disability: working to support change*. London, UK Palgrave, MacMillan: 2010.
3. American Association on Intellectual and Developmental Disabilities (AAIDD). Definition of intellectual disability. Retrieved From <http://aaid.org/intellectual-disability/definition>: 2017 Oct 16.
4. The Administration On Developmental Disabilities The Developmental Disabilities Assistance and Bill of Rights Act of 2000. Retrieved From: <https://www.acl.gov/about-acl/authorizing-statutes/developmental-disabilities-assistance-and-bill-rights-act-2000>: 2017 Oct 16.
5. Wehmeyer M, Garner N. The Impact of personal characteristics of people with intellectual and developmental disability on self-determination and autonomous functioning. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*. 2003; 16: 255 - 265.

و آموزشی می‌باشد و به واسطه‌ی سازوکارهای منحصر به خود، وسیله‌ای قدرتمند برای ایجاد تغییر در زندگی افراد دارای کم توانی ذهنی و در نهایت اعمال تغییرات در جامعه‌ی بزرگ‌تر است. در کشور ایران به دلیل موانع محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی توجه کافی به انجام پژوهش‌های نظامند در این زمینه برای این گروه از کودکان نشده است. این در حالی است که رویکرد خود-وکیلی می‌تواند به عنوان یک رویکرد مناسب توانمند سازی که موفقیت آن در عمل در کشورهای توسعه یافته از جمله کشور انگلستان ارزیابی و ثابت شده است، سرلوحه کار سازمان‌های متولی آموزش و توان‌بخشی به افراد با نیازهای ویژه مخصوصاً افراد دارای کم توانی ذهنی قرار گیرد. در حقیقت نتایج این مطالعه در خصوص نقش جنبش خود-وکیلی در توانمند سازی افراد دارای کم توانی ذهنی نشان می‌دهد که به گروه‌های خود-وکیلی می‌توان به عنوان سرمایه‌گذاری بلندمدتی نگاه کرد که در نهایت به سمت یکپارچگی و وحدت جامعه و کاهش هزینه‌های آن پیش می‌روند. تجربیات شخصی و عضویت نویسندگان مقاله در یکی از گروه‌های خود-وکیلی در کشور انگلستان به عنوان حمایت‌گر افراد دارای کم توان ذهنی نشانگر آن است که در صورت اجرای دقیق این برنامه مشکل اساسی خیلی از افراد دارای کم توانی ذهنی در زمینه‌های شخصی، خانوادگی، اجتماعی، آموزشی، شغلی و حقوقی در جامعه از بین می‌رود و ضمن کاهش مشکلات افراد دارای کم توان ذهنی و خانواده‌های آن‌ها در جامعه، بخش عظیمی از مشکلات سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی در راستای آموزش و توان‌بخشی این گروه از افراد جامعه از بین خواهد رفت. بنابراین نتایج این مطالعه پیشنهاد می‌کند که سازمان‌های بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی بیش از پیش زمینه ایجاد و استفاده از این گروه‌ها در راستای توانمند سازی افراد دارای کم توانی ذهنی را فراهم سازند. در راستای اجرای جنبش خود-وکیلی در کشور ایران موانعی از جمله عدم آگاهی سازمان‌های ارائه دهنده خدمات آموزشی و توان‌بخشی؛ عدم آگاهی والدین، کارشناسان و مربیان و عموم مردم به جنبش خود-وکیلی؛ کمبود مهارت‌های لازم افراد

6. Poetz C. Reflections in 30 years of involvement in self-advocacy. *Journal of Intellectual and Developmental Disability*. 2003; 28(1): 84-86.
7. Siska J. A new movement in an old bureaucracy: the development of self-advocacy in the Czech Republic. *British journal of learning disabilities*. 2006 Aug 31; 34 (3): 146-150.
8. Chapman R. An exploration of the self-advocacy support role through collaborative research: 'There should never be a them and us'. *Journal of applied research in intellectual disabilities*. 2013 Dec 7; 27(1): 44-53.
9. Tideman M, Svensson O. Young people with intellectual disability – the role of self-advocacy in a transformed Swedish Welfare System. *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being*. 2015 Mar 27; 10: 25100.
10. Traustadottir R. Learning about self-advocacy from life history: a case study from the United States. *British journal of learning disabilities*. 2006 Aug 31; 34(3): 175-180.
11. Frawley P, Bigby C. Reflections on being a first-generation self-advocate: belonging, social connections and doing things that matter. *Journal of Intellectual and Developmental Disability*. 2015 Apr 13; 40(3): 254–264.
12. Buchanan I, Walmsley J. Self-advocacy in historical perspective. *British journal of learning disabilities*. 2006 Aug 31; 34(3): 133-138.
13. Ledger S, Tilley L. The history of self-advocacy for people with learning difficulties: international comparisons. *British journal of learning disabilities*. 2006 Aug 31; 34(3): 129-130.
14. Mallander O, Mineur T, Henderson D, Tideman M. Self-advocacy for people with intellectual disability in Sweden – organizational similarities and differences. *Disability studies quarterly*. 2018 Winter; 38(1): Retrieved from: <http://dsq-sds.org/article/view/5505/4888>.
15. Bigby C. Self-advocacy and inclusion: A summary of the study 'what can be learned from speaking up over the years'. La Trobe Living with Disability Research Centre, Bundoora: 2015.
16. Chapman R, Tilley L. Exploring the ethical underpinnings of self-advocacy support for intellectually disabled adults. *Ethics and Social Welfare*. 2013; 7(3): 257–271.
17. Anderson S, Bigby C. Self-advocacy as a means to positive identities for people with intellectual disability: 'we just help them, be them really'. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*. 2017 Jan; 30(1): 109-120.
18. Beart S, Hardy G, Buchan L. Changing selves: A grounded theory account of belonging to a self-advocacy group for people with intellectual disabilities. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*. 2004; 17: 91–100.
19. Brolan C, Boyle F, Dean J, Taylor Gomez M, Ware R, Lennox N. Health advocacy: a vital step in attaining human rights for adults with intellectual disability. *Journal of intellectual disability research*. 2012 Nov; 56(11): 1087-1097.
20. Schelling A, Rao S. Evaluating self-advocacy strategy instruction for students with an intellectual disability using an interactive hypermedia program. *International Journal of Business & Social Sciences*. 2013 Dec; 17(4): 1-10.
21. Mitchell D, Traustadottir R, Chapman R, Townson L, Ingham N, Ledger S. Exploring experiences of advocacy by people with learning disabilities: Testimonies of Resistance. London, UK: Kingsley: 2006.
22. Wehmeyer M. Riding the third wave. *Journal of Focus on Autism and Other Developmental Disabilities*. 2002; 15: 106-116.
23. Mineur T, Tideman M, Mallander O. Self-advocacy in Sweden—an analysis of impact on daily life and identity of self-advocates with intellectual disability. *Journal of Cogent Social Sciences*. 2017; 3: 1304513.
24. Milner P, Kelly B. Community participation and inclusion: People with disabilities defining their place. *Journal of Disability and Society*. 2009; 24(1): 47–62.
25. Gilmartin A, Slevin E. Being a member of a self-advocacy group: experiences of intellectually disabled people. *British journal of learning disabilities*. 2010 Aug 19; 38(3): 152-159.
26. Wehmeyer M, Bolding N. Enhanced self-determination of adults with intellectual disability as an outcome of moving to community-based work or living environments. *Journal of Intellectual Disabilities*. 2001 Oct ;45(5) :371–383.
27. Goodley D. Empowerment, self-advocacy and resilience. *Journal of Intellectual Disabilities*. 2005; 9(40): 333–343.
28. Nind M, Seale J. Concepts of access for people with learning difficulties: towards a shared understanding. *Journal of Disability and Society*. 2009 May; 24(3): 273–287.
29. Craig D, Bigby C. "She's been involved in everything as far

- as I can see”: supporting the active participation of people with intellectual disability in community groups. *Journal of Intellectual and Developmental Disability*. 2014 Nov 11; 40: 12-25.
30. Pickett S, Diehl S, Steigman P, Prater J, Fox A, Shipley P. et al. Consumer Empowerment and self-advocacy outcomes in a randomized study of peer-led education. *Journal of Community Mental Health J*. 2012 Aug; 48(4): 420-430.
31. Jahoda A, Wilson A, Stalker K, Cairney A. Living with stigma and the self-perceptions of people with mild intellectual disabilities. *Journal of Social Issues*. 2010; 66(3): 521- 534.
32. Beart S. ‘I won’t think of myself as a learning disability. But I have’: social identity and self-advocacy. *British Journal of Learning Disabilities*. 2005 Aug 4; 33(3): 128-131.
33. Caldwell J. Leadership development of Individuals with developmental disabilities in the self-advocacy movement. *Journal of Intellectual Disability Research*. 2010 Aug 22; 54(11): 1004-1014.
34. Tedla T. The importance of self-advocacy skills for students with disabilities in higher education for a full inclusion and a Glimpse of Ethiopian case: A review of related literature. *Open Access Library Journal*. 2017 Jan; 4(1): 1-8.
35. Fredrickson B, Branigan C. Positive emotions broaden the scope of attention and thought-action repertoires. *Cognition & Emotion*. 2005 May 1; 19(3), 313-332.
36. Norouzi G. Person Centered Planning is the best way of individual and social empowerment of people with intellectual and developmental disabilities. 2014. A paper published in the first National Congress of social and individual empowerment of people with special educational needs. Ghaenat Azad University, Ghaenat, Iran. [Persian].
37. Norouzi G, Karimi, A. Introduction to self-advocacy approach and literature review of its effects as an appropriate means for empowering people with intellectual and developmental disabilities. 2018. A poster presentation in 3rd National Psychology Congress, Faculty of Education and Psychology, University of Tehran. Tehran, Iran. [Persian].